

کانون وکلا

شماره ۶۰

مرداد و شهریور ماه ۱۳۳۷

سال دهم

حبیقلی کاتبی
وکیل دادگستری

انواع خسارات و احکام آن

خساراتی که مطابق قانون آئین دادرسی مدنی قابل مطالبه و صدور حکم است همانست که ضمن باب دهم قانون مزبور در سه فصل ۲ و ۳ و ۴ درج شده و اجمالاً عبارتست از :

خسارات حاصله از عدم انجام تعهد ،

خسارت تأخیر تأدیه ،

خسارت دادرسی ،

و ما در شماره‌های گذشته مجله کانون (شماره‌های ۵۳ و ۵۶ و ۵۷) راجع بدسته قسمت مزبور با توجه به مقررات قانونی و اصول حقوقی و رویه قضائی اختصاراً بحث کردیم و اینک برای تکمیل موضوع و مزید فایده راجع بقواعد عمومی و احکام قانونی خسارات بنحو ایجاز بیان میکنیم :

۱ - مطالبه خسارت

علی‌الاصول مطالبه خسارت حق زیان دیده است که از زیان رساننده بطور رسمی بعمل آورد و ثمره آن اینست که خسارت تأخیر تأدیه و زیان ناشی از عدم تعهد از روز مطالبه رسمی حساب میشود .

مطالبه خسارت فرع بر مطالبه حق اصلی است و این مطالبه ممکن است پیش از آنکه بوسیله دادخواست رسمی بعمل آید با ارسال اظهارنامه انجام گیرد چنانکه ماده ۷۰۹ قانون آئین دادرسی مدنی این معنی را تصریح کرده و بموجب آن :

« هر کس میتواند قبل از تقدیم دادخواست به دادگاههای

دادگستری حق خود را بوسیله اظهارنامه از طرف مطالبه نماید مشروط بر اینکه موعد مطالبه رسیده باشد ... »

مطالبه خسارت منحصر و موقوف باین نیست که قبل از تسلیم دادخواست بوسیله اظهارنامه رسمی بعمل آید بلکه مدعی خسارت میتواند آنرا در ضمن دادخواست و اگر در دادخواست مطالبه نکرده باشد ضمن دادرسی تا قبل از اعلام ختم محاکمه مطالبه نماید (ماده ۷۱۲ ق. آ. د.)

اگرچنانچه دادگاه با وجود مطالبه خسارت در ضمن حکم اصلی حکم به خسارت صادر ننماید طبق ذیل ماده ۷۱۲ مکلف است بموجب حکم جداگانه محکوم علیه را به تأدیة خسارت ملزم سازد .

۲ - اثبات خسارت

در مورد اثبات خسارت اصل کلی البینه للمدعی جاری و اثبات برعهده خواهان است ولی قانون و رویه قضائی تسهیل بیشتر و دستوری ساده تر مقرر داشته و اساساً ضرورت ندارد که در موقع طرح دعوی دلائل اثبات خسارت اقامه شود بلکه کافی است که تا پیش از اعلام ختم دادرسی اصل و میزان خسارت در نظر دادگاه روشن شده باشد . چنانکه رأی شماره ۱۰۵۱-۳۳۷۷ پنجم آبان ۱۳۰۹ دیوان کشور حاکی است که :

« در مورد تقاضای خسارت بر عکس سایر دعاوی لازم نیست که کلیه مدارک به عرض حال ضمیمه شود . »

از خسارت آنچه زیان دیرکرد است طبق ماده ۷۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی اساساً احتیاجی به اثبات ندارد و صرف تأخیر در پرداخت برای مطالبه کافی است و آنچه خسارت عدم انجام تعهد است کمأ و کیفاً قابل اثبات بوسیله عرف یا مقررات قانونی یا نظر کارشناس و یا حتی نظر خود دادگاه است چنانکه ماده ۷۱۶ این قسمت اخیر را تأیید کرده و میگوید :

« در مواردی که مقدار هزینه در قانون یا تعرفه رسمی معین نشده است مقدار خسارت را دادگاه بنظر خود یا بوسیله کارشناس معین مینماید . »

مستفاد از مقررات قانونی در مورد اثبات خسارت اینست که ثبوت اصل برای ثبوت ماهیت خسارت کافی است و برای تعیین مقدار آن هم دادگاه باید تحقیق بعمل آورد و پس از ثبوت خسارت اثبات سقوط آن برعهده مدعی علیه است .

حکم شماره ۳۳۲۸-۱۴/۱۰/۱۹ شعبه ۴ دیوان کشور در مورد رسیدگی و تحقیق نسبت به خسارت چنین مقرر داشته است :

« ... در مورد دعاوی خسارت فحص و تحقیق از سابقه عمل و تعیین اینکه حکم اصلی مراحل رسیدگی خود را سیر نموده و بالاخره بنفع مدعی

احکام خسارات

خاتمه یافته یا بر ضرر او وظیفه دادگاه است و بهر حال مجهول بودن خاتمه امر در نظر دادگاه موجب سقوط حق خسارت نیست . «

باین ترتیب حکم دادگاهها نباید به عنوان اینکه تحصیل دلیل ممنوع است از تحقیق و رسیدگی در مورد کم و کیف خسارت خودداری نمایند .

۳ - صلاحیت دادگاه

دادگاه صلاحیت دار در مورد حکم خسارت همان دادگاهی است که دعوی اصلی در آن مطرح است چنانکه ماده ۴۲ قانون آئین دادرسی مدنی تکلیف این موضوع را تعیین کرده است :

« دعوی خسارت چه از بابت دیر پرداختن پول و چه از بابت هزینه دادگستری و چه از بابت حق الوکاله و امثال آن در صورتیکه در ضمن دعوی اصلی مطالبه شده باشد در دادگاهی رسیدگی میشود که دعوی اصلی در آن مطرح شده والا در دادگاهی رسیدگی میشود که دعوی در آن خاتمه یافته است . دعوی خسارت راجع به مرحله فرجامی در دادگاهی اقامه میشود که از حکم آن دادگاه فرجام خواسته شده و در صورت نقض به دادگاهی راجع است که دعوی بآن ارجاع شده و خاتمه یافته است . «

در این مورد شقوق مسئله بقراو زیر است :

الف - اگر در ضمن دعوی اصلی مطالبه خسارت بعمل آمده باشد دادگاه بدوی نسبت به خسارت مرحله بدوی و دادگاه پژوهشی نسبت به خسارت مرحله پژوهشی رأی خواهد داد و خسارت مرحله فرجامی پس از ابرام حکم با دادگاه استیناف و در صورت نقض با دادگاه مرجوع الیه است .

ب - اگر در ضمن دعوی اصلی خسارت مطالبه شده ولی بجهت صدور قرار یا حکم بیحقی در مرحله بدوی حکم به خسارت داده نشده باشد در اینصورت اگر چنانچه قرار فسخ و رسیدگی به دادگاه بدوی اعاده شود طبعاً صدور حکم خسارت به عهده دادگاه بدوی خواهد بود ولی اگر دادگاه استیناف حکم بیحقی را فسخ نماید ناگزیر از صدور حکم اصلی و حکم خسارت نسبت به هر دو مرحله بدوی و پژوهشی است .

ج - اگر در ضمن دعوی اصلی مطالبه خسارت شده و دادگاه بدوی نیز نسبت به مرحله نخستین رأی داده ولی دادگاه پژوهشی ضمن تأیید و یا فسخ حکم اصلی و صدور حکم به اصل دعوی نسبت به خسارت مرحله پژوهشی رأی نداده باشد در صورت تقاضای خواهان طبق ماده ۷۱۲ ق.آ. د.م. و با توجه به جمله «یا بموجب حکم علیحده محکم خسارت جداگانه صادر نماید .

احکام خسارات

د- اگر در ضمن دعوی اصلی خسارت مطالبه نشده و دادگاه بدوی نسبت به اصل دعوی حکم داده ولی نسبت به خسارت حکم صادر نکرده باشد در این مورد طبق ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی مدنی میتوان خسارت هر دو مرحله را از دادگاه استیناف مطالبه کرد و دادگاه مزبور مکلف به رسیدگی و صدور حکم نسبت به خسارات هر دو مرحله است.

این امر دربدو نظر برخلاف ماده ۸ ق. آ. د. م. است که نسبت بهیچ موضوعی در مرحله پژوهشی نمیتوان رسیدگی کرد مگر اینکه در مرحله بدوی نسبت بان رسیدگی و نقیاً و اثباتاً رأی صادر شده باشد و در این مورد چون نسبت به خسارت در مرحله بدوی رأی داده نشده و اظهار نظر مثبت و منفی بعمل نیامده رسیدگی پژوهشی خلاف اصل مزبور است ولی ماده ۲۴ در مورد خسارت استثنائی بر این اصل قرار داده زیرا میگوید اگر خسارت در ضمن دعوی اصلی مطالبه شده باشد در دادگاهی رسیدگی میشود که دعوی اصلی در آن مطرح شده والا (یعنی اگر در ضمن دعوی اصلی مطالبه نشده باشد) در دادگاهی رسیدگی میشود که دعوی در آن خاتمه یافته است (و آن جز دادگاه مرجع استینافی نیست).

در تأیید این موضوع حکم شماره ۳۶۴۶-۳۰/۱۰/۱۹ شعبه دیوان کشور عیناً نقل میشود:

«مستفاد از ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی مدنی اینست که در صورت مطالبه خسارت در ضمن دعوی اصلی و مورد حکم واقع شدن خسارت در مرحله نخستین صدور حکم خسارت مرحله پژوهشی مخصوص دادگاه پژوهشی خواهد بود و این مقدمه مستلزم این نیست که در صورت ختام دادرسی مرحله بدوی و صدور حکم در اصل دعوی بدون اینکه راجع به خسارت رأی صادر شده باشد محکوم له مجبور گردد خسارت هر يك از مراحل را از همان دادگاه مطالبه نماید بلکه در اینصورت همان دادگاه پژوهشی که آخرین مرحله میباشد مرجع مطالبه خواهد بود.»

ه- اگر در ضمن دعوی اصلی مطالبه خسارت نشده و در مرحله پژوهشی هم مطالبه نگردد خواهان حق دارد ضمن دادخواست جداگانه مطالبه خسارت بنماید و در این صورت دادخواست مزبور از حیث صلاحیت دادگاه تابع مقررات عمومی خواهد بود.

۴- خسارت تابع دعوی اصلی است

در جریان دادرسی و صدور حکم بدوی و پژوهشی و فرجامی و اجراء حکم موضوع خسارت تابع دعوی اصلی است چنانکه اگر حکم نسبت به اصل صادر شده باشد صدور حکم نسبت به خسارت الزامی است و اگر حکم در دادگاه پژوهشی فسخ شود این فسخ به خسارت نیز شامل خواهد بود و همچنین است نقض حکم اصلی در دیوان کشور ولی اگر در مواردی نسبت به حکم اصلی مقررات استثنائی وجود داشته باشد این

احکام خسارات

استثناء شامل خسارت نخواهد بود چنانکه شعبه اول دیوان کشور در حکم ۴۲۲-۱۷/۲/۳۱ تصمیم گرفته است :

« استناد دادگاه استان باینکه (چون حکم در اصل خواسته بر طبق ماده ۷ قانون توسعه معابر مصوب ۱۳۱۴ غیر قابل پژوهش است خسارت ناشیه از آن هم از توابع دعوی در ماهیت امر محسوب بوده و قابل پژوهش نیست) غیرموجه است زیرا قطعیت حکم بدوی بموجب ماده مزبور منحصر به مواردی است که در همان ماده ذکر شده و خسارت حق الوکاله و قیمت تمبر اوراق و بقیه هزینه محاکمه مشمول هیچیک از موارد مسطوره در ماده مزبور نیست . »

۵- مبدا و مدت خسارت تأخیر تأدیه

اصولاً مبدا استحقاق خسارت تأخیر تأدیه مطالبه آنست پس اگر بوسیله اظهارنامه خسارت را نیز مطالبه کرده باشد از تاریخ ابلاغ اظهارنامه و اگر ضمن دادخواست مطالبه کرده باشد از روز تقدیم دادخواست خواهد بود. و همین معنی است که در ذیل ماده ۷۲۱ قانون آئین دادرسی مدنی مندرج است و اگر قرار دادی در این مورد باشد طبق صدر ماده مزبور تابع قرارداد خواهد بود.

اما در دعوی غیر تجارتي و دعوی برسیت و یا موردی که باستناد گواهی و اسرار حکم داده شود مبدا زیان دیرکرد روز مطالبه نبوده بلکه مطابق ماده ۷۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ صدور اولین حکمی که بفتح مدعی صادر میشود محسوب خواهد بود.

راجع به مدت خسارت تأخیر تأدیه باید دانست که از روز استحقاق شروع و روز وصول محکوم به پایان میباشد و این معنی را ماده ۷۲۴ قانون آئین دادرسی مدنی چنین تشریح کرده است :

« در صورتیکه خسارت تأخیر تأدیه ضمن جریان دعوی اصلی مطالبه شده باشد دادگاه میزان خسارت را تا روز صدور حکم معین کرده و در حکم قید میکند و نسبت به خسارتي که از تاریخ صدور حکم تا روز وصول محکوم به باید تأدیه شود بطور کلی حکم خواهد داد که اجراء در موقع وصول محکوم به حساب کرده و از محکوم علیه بگیرد . »

۶- مدت خسارت در اجور و عوائد

در مورد مدت خسارت تأخیر تأدیه تا روز وصول ماده قانون صریح و روشن است ولی در مورد خسارات دیگر مانند اجرت المثل املاك استیجاری و اجور و عوائد املاك منصوصه چنین صراحتی نیست و باین جهت چند نظریه و تصمیم قضائی وجود دارد :

احکام خسارات

الف - حکم به خسارت اجرت المثل تا تاریخ مطالبه رسمی اعم اظهار نامه یا دادخواست .

ب - حکم به خسارت اجرت المثل تا تاریخ اولین حکم .

ج - حکم به خسارت اجرت المثل تا تسلیم عین مستأجره یا زوال ید غاصبانه .
بنظر میرسد که نظریه اخیر صحیح است زیرا پس از احراز تصرف و ید اعم از امانی و غصبی اصل بقاء آنست مگر اینکه خلاف آن ثابت شود بنا براین در صورتیکه خواهان خسارت در دادخواست خود حکم تسببت به اجور ملک را تا تسلیم عین مستأجره یا زوال ید غاصبانه از دادگله خواسته باشد اشکالی در صدور حکم به خسارت مزبور وجود ندارد و بلکه عدم صدور محل اشکالی است ، چنانکه حکم شماره ۱۴۱۹ - ۱۹/۷/۲۹ شعبه ۶ دیوان کشور در مورد اجرات المثل چنین حکایت دارد :

« شرط مندرج در اجاره نامه‌ها باینکه (اجرت المثل پس از انقضای مدت اجاره معادل اجرت المسمی خواهد بود) بِنفع موجر بوده و مقصود از شرط مزبور اینست که موجر حق دارد اجرت المثل پس از انقضای اجاره یا فسخ را تا وقتی که مستأجر عین مستأجره را تخلیه نکرده معادل مال الاجاره مطالبه نماید ... »

در مورد عوائد ملک مغضوبه با توجه به مواد ۳۲۰ و ۳۲۲ و ۳۲۳ قانون مدنی و ضمان تهری ناشی از غصب راجع به منافع مدت استیلاء غاصبانه باید عواید مدت غصب را تا استرداد ملک مغضوبه مورد حکم قراوداد .

۷ - خسارت در مورد تسلیم خواننده

تسلیم خواننده به خواهان در اثناء دادرسی و پرداخت دین یا انجام تعهد رافع خسارت دادرسی و سایر خسارت قانونی نخواهد بود چنانکه در مورد مطالبه وجه سفته حکم شماره ۹۳۳ - ۲۶/۵/۱۰ شعبه ۶ دیوان کشور حاکی ازین معنی است :

« اگر پس از ابلاغ و اخواست نامه بطرف صریحاً امتناع خود را از اداء وجه سفته بنویسد با این کیفیت دارنده سفته ناچار به مراجعه به مقام رسمی و تقدیم دادخواست و تأدیه مخارج دادرسی و تعیین و کیل طبق مقررات بوده است و حاضر شدن خواننده بعد از صدور قرار تأمین و در موقع اجرای قرار مزبور به تأدیه وجه سفته رافع خساراتی که از ناحیه او متوجه خواهان شده نخواهد بود . »

۸ - خسارت در موقع سازش

اگر طرفین در حین دادرسی نسبت به دعوی خود سازش نمایند اعم از آنکه در دادگله یا خارج از آن بوده و گزارش آن به محکمه داده شود حکم به خسارت داده نمیشود ولی اگر طرفین قراری نسبت به خسارت بدهند طبق آن قرار عمل میشود

احکام خسارت

و ماده ۷۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی حکم این مورد را بشرح مذکور بیان داشته است.

۹ - خسارت از خسارت

این موضوع تعبیر دیگر ربح مرکب یا ربح در ربح است و چون این نوع سود فوق العاده ظالمانه است قانون با صراحت کامل آنرا منع کرده و طبق ماده ۷۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر داشته است که :

« خسارت از خسارت قابل مطالبه نیست »

و در پیروی و تأیید همین نظر دیوان کشور انواع خسارت از خسارت را چه بعنوان تأخیر تأدیه و چه بعنوان اجرت المثل و عواید ملوک منصوبه و چه بعنوان هزینه دادرسی و حق الوکاله و غیره صریحاً غیر قابل مطالبه دانسته است و اینک لحکام این قسمت برای ایضاح بیشتر نقل میشود :

حکم شماره ۱۴۵۸ - ۲۸/۹/۱۵ شعبه اول در مورد خسارت از خسارت تأخیر تأدیه :

ماده ۷۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر به مطالبه خسارت از خسارت تأخیر (ربح در ربح) و خسارت از خسارت دادرسی و این قبیل خسارات است که قابل مطالبه نمیشد .

حکم شماره ۲۵۲۲ - ۱۹/۱۰/۳۰ شعبه ۳ و حکم شماره ۳۶۵۵ - ۱۹/۱۰/۳۰ شعبه اول در مورد خسارت اجرت المثل :

« چون از مواد مربوطه به خسارت که اجرة المثل نیز در عداد خسارات محسوب شده و ملاحظه مواد ۷۱۳ و ۷۱۷ قانون آئین دادرسی مدنی مستنبط است که مقصود مقنن از قابل مطالبه نبودن خسارت بر خسارت همان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه بر خسارت تأخیر تأدیه اجرت المثل و امثال آنهاست لذا صدور حکم به عنوان خسارت تأخیر تأدیه اجرت المثل مجوز قانونی نخواهد داشت . »

حکم شماره ۳۷۴ - ۸ مورخ ۲۰/۱۰/۲۹ شعبه اول در مورد خسارت از خسارت دادرسی :

« اگر اصل دعوی محکوم له مطالبه خسارت دیر پرداخت و عشریه محاکمه بوده است مطالبه حق الوکاله و هزینه دادرسی از محکوم علیه خسارت از خسارت محسوب است که بموجب ماده ۷۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی قابل مطالبه نخواهد بود . »

حکم شماره ۱۴۵۰ - ۲۶/۹/۳ شعبه ۴ در مورد خسارت از تأخیر تأدیه وجه التزام :
« چون وجه التزام خود نوعی از خسارت میباشد بنابراین مطالبه

خسارت نسبت به تأخير تأديه وجه التزام مطابق ماده ۷۱۳ قانون آئين دادرسی مدنی صحيح نخواهد بود . «

۱۰ - تهاتر خسارت

طبق ماده ۷۱۴ قانون آئين دادرسی مدنی اگر هریک از طرفین از جهتی محکوم له و از جهتی محکوم علیه باشند خسارت بطور نسبی تهاتر میشود و حکم شماره ۶۵۹ - ۲۸/۳/۱۷ شعبه ۳ دیوان کشور تأیید این مطلب است :

« ماده ۷۱۴ قانون آئين دادرسی مدنی راجع به صورتی است که هریک از طرفین از جهتی محکوم و محکوم له علیه واقع شده باشند و شامل موردی که حکمی بنفع طرف صادر نشده تا خسارت تهاتر شود نخواهد بود. «

۱۱ - مرور زمان خسارت

بموجب شق ۳ از ماده ۷۳۹ قانون آئين دادرسی مدنی مرور زمان دعاوی راجعه به خسارت دادرسی و تأخير تأديه و خسارت ناشی از اجرای احکام سه سال است و در تمام مقررات تابع آئين دادرسی مدنی است .

اما در مورد خسارت ناشی از اقدامات متصدیان حمل و نقل طبق ماده ۳۹۳ قانون تجارت مرور زمان یکسال است .

۱۲ - خسارت در مورد مال امانتی

اگر ید یکنفر ید امانتی باشد نمیتوان ویرا به پرداخت خسارت بابت اجرت المثل محکوم ساخت و در این مورد حکم شماره ۳۲۳۸ - ۱۹/۱۰/۱۴ شعبه ۴ دیوان کشور مؤید قاعده است :

« در صورتیکه املاک مدعی بطور امانت به مدعی علیه واگذار شده تا آنچه عاید شود پس از وضع مخارج به مدعی بدهد چون ید مدعی علیه غصبی نبوده ملزم به پرداخت اجرة المثل نخواهد بود اعم از اینکه چیزی عاید شده یا نشده باشد . «

۱۳ - خسارت در امور اجرائی ثبت

طبق ماده ۷۴ مکرر آئين نامه قانون وکالت میزان حق الوکاله در امور اجرائی ثبت نصف حق الوکاله مقرر در محاکم است و بنا بر این مقدار خسارتی که ازین بابت متعهد و بن علیه الاجراء باید پردازد قانوناً تعیین و تشخیص شده است و نسبت به وصول آن باید طبق ماده ۳۲ آئين نامه اجرای مفاد اسناد رسمی دائره اجرای ثبت اقدام و به متعهد له و کسی که اجرائیه بنفع وی صادر و جریان یافته و یا قائم مقام قانونی وی پردازد .

اما نسبت به سایر خسارات هم باید طبق ماده مزبور و مواد ۲۹ و ۳۱ و سایر مواد مربوطه آئين نامه اجراء رفتار شود .

الواع خسارات و احكام آن

۱۴ - خسارت در مورد اعمال تصدی

در مورد اعمال تصدی دولت تردید نیست که این اعمال مربوط به اصل حاکمیت بوده و حکومت مثل یک شخص حقوقی عمل میکند و باین ترتیب باید در صورت محاکمه و محکومیت خسارات حاصله از آن را پرداخت نماید چنانکه دیوان کشور نیز این نظر را اتخاذ کرده است :

- الف - حکم شماره ۹۰ - ۱۸/۱/۱۴ شعبه ۳ : « محکومیت اداره دارائی به پرداخت خسارت ممانعی ندارد . »
- ب - حکم ۱۰۲ - ۱۸/۱/۳۰ شعبه ۴ : « مطالبه خسارت هزینه دادرسی از دولت بی اشکال است . »

۱۵ - خسارت در مورد اعمال حاکمیت

گرچه ظاهراً در مورد اعمال حاکمیت نباید مسئولیت مدنی متوجه دولت باشد ولی چون دولت اساساً برای حفظ حقوق و صیانت حدود و تشخیص مسئولیت های افراد است اگر خود مرتکب عمل موجب مسئولیتی شود باید بطریق اولی جبران خسارت نماید لذا در مورد خسارت ناشی از اعمال حاکمیت نیز باید از عهده خسارات وارده برآید چنانکه رویه دیوان کشور نیز حاکی ازین نظر است :

- ۱ - حکم ۶۷۴۶ - ۱۸۶۴ - ۲۸ اسفند ۱۳۰۹ : « بطرفیت اداره ثبت اسناد نمیتوان در محکمه اقامه دعوی نمود مگر اینکه دعوی متضمن مطالبه خسارتی باشد که از عمل بی قاعده اداره مزبور ناشی شده باشد . »
- ۲ - حکم شماره ۲۳۱۲ - ۲۲۵ - ۱۳۱۰/۲/۱۴ : « اگر از قبل مرجع غیرقانونی بسبب مراجعه و شکایت خصوصی بر شخصی که طرف شکایت شده است خسارتی وارد شود سبب اقوی از مباشر نبوده و نمیتوان مسئولیت خسارت وارده را بشاکی متوجه دانست . »
- که مستتب از آن توجه مسئولیت خسارت وارده به مرجع مورد شکایت خواهد بود که در ورود خسارت مباشرت داشته است .